



نگاهی به ژانر کمدی در ایران

کمدی، در پای بست موفقیت

شاید فیلم «اجاره‌نشین‌ها» مثال خوبی باشد.

یک کمدی ناب ایرانی

اجاره‌نشین‌ها که از پرفروش‌ترین‌های زمان خود بود نمونه‌یی از یک کمدی ناب موقعیت است، موقعیتی که می‌توان آن را به شکلی نمادین با وضعیت جامعه برابر دانست؛ فیلمی که در نهایت مخاطب را بعد از خندانند به این فکر وامی‌داشت که این خانه و مستأجرانش به چه چیزی اشاره دارند، اما سینمای کمدی ایران در سالیان اخیر بیش از آن که به مفهوم و رسالت کمدی بیندیشد به ظاهر و پوسته‌ی آن اندیشیده و بن‌مایه‌های تکرارشونده که گاهی رد پای آن‌ها را در سینمای قبل از انقلاب هم می‌توان مشاهده کرد در بیش‌تر آثار سینمایی ما بازتولید و برخی نیز به پرفروش‌ترین‌ها تبدیل شده‌اند! بن‌مایه‌هایی چون ورود یک خارجی و آشنایی با یک ایرانی مانند فیلم «هممان»، «ازدواج به سبک ایرانی» و «سوغات فرنگ» یا جایگزینی یک فرد با گریم به جای فرد دیگری مانند «مارمولک»، «مرد عوضی» و «آدم‌برفی» و یا ازدواج فردی از قشر پایین با فرد خانواده‌یی بالاتر از خود مانند «تان و عشق و موتور ۱۰۰۰»، «قاعده‌ی بازی» و ... این آثار اگرچه بسیار خنده‌آورند، اما فاقد عمق کمدی بوده و در سطح باقی مانده‌اند. در تلویزیون نیز کمدی بعد از دوره‌یی درخشش

از نخستین ژانرهای ایجادشده در سینمای جهان گردید. در سالیان اخیر کمدی به یکی از گونه‌های مسلط سینمای ما تبدیل شده و برخی از پرفروش‌ترین آثار سینمایی ایران به این ژانر تعلق دارد، اما کمدی همچون تیغ دو دم در عین حال که می‌تواند سینما را با استقبال عمومی مخاطبان از بحران نجات دهد می‌تواند با ارایه‌ی سطحی‌ترین لایه‌های خنده‌آور نیز سلیقه‌ی مخاطب را به شدت دچار افول کند، به همین خاطر باید سینمای کمدی را با دیدی آسیب‌شناسانه بررسی کرد.

آن چه که همواره در تعاریف کمدی دیده می‌شود، ارایه‌ی بیانی از ضعف‌های بشری و ردیلت‌های اخلاقی در موقعیت‌های متفاوت و ایجاد زمینه‌یی برای تفکر و دوری‌گزین از این ضعف‌ها و ردیلت‌ها با کارکرد مترتب بر آن همراه با لذت بردن و داشتن احساس خوب است؛ بر اساس این تعبیر در تاریخ سینمای کمدی آثار درخشانی آفریده شده است، هم‌چنین تیپ‌ها و شخصیت‌هایی خلق گردیده که توانسته‌اند گام مهمی در جهت پالایش روانی مخاطب بردارند و در اجتماع خود جهت‌ساز و حرکت‌آفرین باشند. از یاد نمی‌بریم نقد آگاهانه‌ی چاپلین از مترنیسم را در «عصر جدید» و یا اخطار او درباره‌ی فاشیسم را در «دیکتاتور بزرگ»، اما اگر بخواهیم سری به سینمای کشورمان بزنیم

هادی معیری‌نژاد

در دنیای معاصر اگرچه نیاز به خندیدن فزونی یافته، اما به همان اندازه نیز خندانند دشوارتر شده است. سینما در بدو خود با کمدی متولد شد و نخستین تصاویر و فیلم‌ها با نگرش‌های کمیک شکل گرفتند و هنوز بسیاری بر این باورند که «چارلی چاپلین» برترین چهره‌ی سینمایی جهان است در حالی که به سینمای کمدی تعلق دارد؛ تمام این گزاره‌ها ما را به درک اهمیت ژانر کمدی یاری می‌کند، گونه‌یی که به دلایل مختلف بیش از دیگر ژانرها توانایی پالایش روانی مخاطبش را دارد. از یاد نمی‌بریم که در بزرگ‌ترین اثر نمایشی دنیا هملت، «شکسپیر» میان‌برده‌هایی با نگرش کمیک آفریده تا اندکی از بار روانی تراژدی بر مخاطب خود بکاهد و این هرچند دارای نشانه‌شناسی مختص آثار نمایشی آن دوران بوده، اما نشان‌دهنده‌ی اهمیت کمدی نزد بزرگان هنرمند نیز است.

اولین کمدی‌های وطنی

در ایران هم اولین تصاویر ضبط‌شده و فیلم‌های کوتاه تولیدشده کمدی بوده است؛ شاید چون سینما در بدو تولد خود، هنگامی که به دنبال تعریف شدن در نزد افکار عمومی بود، با سرگرمی یگانه شمرده شد و سرگرمی نیز با کمدی قرابت بسیار داشت گونه‌ی کمدی

در دهه‌ی ۷۰ دچار افول گردید؛ اگر در همین دهه گونه‌یی از برنامه‌سازی طنز که با «ساعت خوش» شروع شد توانست موجی اثرگذار را در طنز تلویزیونی ایجاد کند، تکرار این نوآوری‌ها در تلویزیون خندیدن را فقط به یک عادت ۹۰ شبی تقلیل داد. به‌راستی آیا می‌توان مجموعه‌ی «چارخونه» را با «زیر آسمان شهر» و یا «باغ مظفر» را با «پاورچین» مقایسه کرد؟ آیا می‌توان «اکسیژن» مهدی مظلومی را با «بدون شرح» اش مقایسه کرد؟ قطعاً موفقیت این چند مجموعه‌ی ذکرشده به‌علاوه‌ی مجموعه‌ی تلویزیونی «کاکتوس» محمدرضا هنرمند را نمی‌توان در سالیان اخیر سراغ گرفت، چرا که روند شکل‌گیری کمدی در روی کاغذ دچار مشکل شده است!

نسخه‌های تکراری

نویسندگان نام‌آشنا و تکراری برای تیپ‌های تکراری‌تر نسخه‌های از پیش آماده می‌پیچند و مخاطب هم تنها به عادت تکرار گاه لبخندی کمرنگ بر لبانش می‌نشانند! در واقع استقبال مردم از کمدی به خاطر شرایط خاص اجتماعی کشورمان باعث متمرکز شدن بسیاری از اصحاب گونه‌ی کمدی به روی تولید بیش‌تر و سریع‌تر گردیده است و هر چه سرعت تولید بیش‌تر شود نقش فیلمنامه که ستون اصلی این ژانر است کمرنگ‌تر می‌شود و با کمرنگ شدن این نقش گفتار و رفتار دلقک‌وار بسط و گسترش می‌یابد و چون تفکری در پشت تکیه‌کلام‌ها و تیک‌های رفتاری نیست آثار کمدی به سمت پوسته

حرکت کرده و از اصالت و کیفیت خود دور می‌شوند. این روند، سینمای کمدی و اصولاً کل سینمای ما را به جایی می‌رساند که مناسبات گیشه برخی از بدیهی‌ترین تعاریف را در سینما به زیر سؤال می‌برد و اگر جذابیت‌آفرینی و آگاهی‌بخشی را در یک ترازو قرار دهیم کفه‌ی جذابیت را با اتکای به تمهیدات قشری و بیرونی پایین می‌آورد. این امر در بلندمدت کمدی را از مفهوم و ضرورتش تهی کرده و ساختاری تهی با تلنگری که همانا شرایط بد اقتصادی سینمای ایران است فرو خواهد ریخت مگر آن‌که موج نویی فرارسد و یا اصحاب سینمای کمدی در آفرینش‌های خود بازنگری کنند.

دلزدگی از سینمای کمدی

مسعود اطیابی



فیلم‌های پرفروش، از حیث مضمون راضی‌کننده بوده‌اند. فیلمسازان و سینماداران فکر می‌کنند با کلاه گذاشتن بر سر مردم می‌شود فیلم ساخت، اما به زودی مردم با سینمای کمدی قهر می‌کنند. وقتی مردم کالایی را مصرف می‌کنند دلخوش هستند که روز به روز جدیدتر شود، اگر محصول پسرقت کند باید به آن‌ها حق داد که آن را از سبد مصرف خود خارج کنند. سینما به‌شدت نیاز دارد که جلوی فعالیت‌های ضد سینما گرفته شود. بسیاری از کارهای ساخته‌شده در حد سینما نیست، ولی کسی اعتراض نمی‌کند چون فلائی ساخته! در چند سال اخیر فیلم‌های کمدی پرفروشی داشتیم، اما به نظرم بعضی‌ها اصلاً فیلم نبوده و با دوتا عکس و پوستر سر مردم را کلاه گذاشتیم و واقعاً میزان رضایت آن‌ها را نمی‌دانیم؛ البته این آمار برای بینندگان موجود سینماست، چرا که قشری داریم که چون انتظارشان برآورده نشده اساساً با سینما قهر کرده‌اند و جزو مشتریان از دست رفته‌ی سینما هستند و این‌گونه مانده‌اند و به سختی می‌شود آن‌ها را جذب کرد ■

من در کل کم فیلم می‌بینم اما در مجموع جرقه‌های خوبی زده می‌شود مثل فیلم اجاره‌نشین‌ها که خاطره‌اش هنوز در ذهن‌ها مانده و یا فیلم همسر که کمدی ایرانی است و مورد پسند مردم واقع شد. در حال حاضر سینمای کمدی تعریف دیگری پیدا کرده و نمی‌دانم درست یا نادرست ولی دارای شکل و شمایل خاصی است، اما می‌دانم سینما نیست، بیش‌تر طنز شبانه‌ی تلویزیونی است که به عنوان کمدی در سینما نشان داده می‌شود و چون طرفدار دارد فیلمسازان به ساخت آن رو آورده‌اند، هرچند در آینده نه تنها سینمای کمدی بلکه سینما را در کل تضعیف می‌کند. نکته‌ی بعد این که شکل بد و بی‌شرمانه‌یی در کمدی است که کپی از فیلم‌ها و سبک غربی‌هاست. این دو شکل باعث شده که نگوئیم سینمای کمدی داریم. فکر می‌کنم فیلمسازان باید به سمت روایتی از سینمای کمدی بروند، چون هر ژانری روایت منحصر به فردی دارد و فیلم ایرانی و خارجی هم با هم فرق دارد؛ باید روایت ما ایرانی شود، نه این که فیلم خارجی را ایرانی کنیم! متأسفانه این اتفاق در حال وقوع است. مسئولان فرهنگی دم از فیلم خوب می‌زنند ولی ناخواسته به این فیلم‌ها بها می‌دهند. من نظر مثبتی نسبت به سینمای کمدی ندارم. مردم یک روزی از این سینما دلزده می‌شوند کما این که پرفروش‌های سینما هم اگر کیفیت لازم را نداشته باشند کم‌کم از تأیید مردم دور می‌شوند، برای مثال سینمای هنری اگر خوب باشد طرفدار دارد اما چون تا به حال تقلیدی بوده طرفدار خود را ندارد. فیلم کمدی اگر فروش دارد دلیل پسند مردم نیست، مردم به هوای اوقات فراغت و کمی خندیدن رفته‌اند و پول داده‌اند و سعی کرده‌اند بخندند، باید پرسید که راضی بوده‌اند یا نه. آمار بگیرد چند درصد از